

خوب است بدانیم که

علی مسعودی

همان‌طور که می‌دانید چند ماهی است عده‌ی زیادی از مردم به زیارت عتبات عالیات می‌روند و هم‌چنین از چند روز آینده برای انجام حج تمتع (حج واجب) راهی سرزمین وحی می‌شوند. عشق زیارت و حضور در آن زمین و همین‌طور در کربلا و شهرهای اطراف، آرزوی همه‌ی مسلمانان ایرانی است.

این‌بار برای آشنایی بیش‌تر شما با اماکن متبرکه و مشرف به شرح کوتاهی از بعضی از آن‌ها می‌پردازیم.



● آشیان آل محمد

در اوایل دی ماه امسال، میلاد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) است. این بانوی مکرم دختر امام هفتم، موسی بن جعفر (علیه السلام) همان‌طور که می‌دانید در قم دفن است شاید بارها شنیده باشید که به شهر قم «عُش آشیان آل محمد» می‌گویند. می‌دانید چرا؟
خوب است بدانید که عُش به لانه پرنده‌ای گفته می‌شود که بعد از مدتی پرواز، از آن‌جا می‌رود. در قم نیز طلاب علوم دینی بعد از فراگیری علوم آل محمد (علیه السلام)، به اقصی نقاط شهرها و روستاها پرواز کرده و طالبان هدایت را هدایت و ارشاد می‌نمایند.



● وقتی زمین به وجود آمد

به روز بیست و پنجم ذی القعدة، «دحوالارض» می‌گویند. دحو به معنی گستراندن است و چون زمین در این روز از محل کعبه گسترده و کامل شد (به وجود آمد)، به آن روز «دحوالارض» می‌گویند. دوستان می‌توانند برای انجام اعمال مخصوص این روز، به مفاتیح الجنان مراجعه نمایند.



● نجف، دریایی بزرگ

در مورد تاریخچه‌ی شهر نجف دریا آمده است که در زمان قدیم در محل نجف دریای عظیمی بود به نام «نی» و بعد از مدتی این دریا خشک شد. لذا مردم می‌گفتند: «نی‌جف» یعنی آن دریای نی خشک شد، سپس برای سهولت تلفظ به «نجف» معروف شد. (۲)



● کربلا

خوب است بدانید که کربلا در اصل کرب و بلا بوده است، کرب به معنی اندوه و بلا به معنی مصیبت است و چون این سرزمین از اول سرزمین غم و اندوه و مصیبت بوده است، کرب و بلا خوانده شد، سپس این کلمه مخفف گردید و کربلا شد.



● سامراء

گویند: اصل آن «سُر من رای» بود. چون از خوبی آب و هوا هرکسی آن‌جا را می‌دید، مسرور می‌گشته است. بعضی گویند: «اصل آن «ساء من رای» بوده به این معنا که به خاطر خرابی و سرنگونی، هرکس آن‌جا را می‌دید، بدش آمده است، در هر صورت در اثر کثرت استعمال سامراء شده است. (۱)



● منی

یکی از مکان‌هایی که در حج، اعمال مخصوصی دارد سرزمین منی است. وجه تسمیه «منی» آن است که جبرئیل در آن سرزمین به حضرت ابراهیم گفت: هرچه از خدا می‌خواهی در این‌جا تمنا کن. در همین موقع بود که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند خداست که قوچی بر آن حضرت بفرستد، تا آن‌جا به جای فرزندش اسماعیل قربانی نماید. (۲) و خداوند رفوف خواسته‌ی او را عطا فرمود.

شیخ صدوق (علیه السلام) می‌فرماید: در آن دو روایت است: (۱) چون جبرائیل خدمت حضرت ابراهیم (علیه السلام) رسید، به او گفت: «من یا ابراهیم» یعنی ای ابراهیم در خواست کن و اصلش منی بوده و مردم آن را منی نامیدند.

(۲) چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آن‌جا تمنا کرد که خداوند برای فرزندش اسماعیل کبشی (قوچ) را قرار دهد و مأمور به ذبح آن گردد. (۳)

۱. مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (۲)، ص ۱۳۹
۲. من لایحضره الفقیه، ص ۱۹۷ و ستارگان درخشان، ج ۱، ص ۱۹۳
۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۸
۴. علل الشرائع، شیخ صدوق، ص ۳۱